



آرایش جنگی

روزنامه کیهان در یادداشت روز خود با عنوان «**آرایش جنگی**»نوشت:جنسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد، حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطر آفرین است.اششد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد نیز باید بداند که با پشتیبانی از جنایتکار، در برابر ندیای اسلام آرایش جنگی گرفته و نفرت و دشمنی عموم ملت‌های مسلمان و بسیاری از دولت‌های آنان را به سوی خود جلب کرده است. وظیفه آن دولت آن است که عامل جنایت را به دستگاه‌های قضایی کشورهای اسلامی تحویل دهد. توطئه‌گران پشت صحنه نیز بداندند که حرمت و شوکت قرآن کریم روزبه‌روز افزون تر و انوار هدایت آن درخشان‌تر خواهد شد،امثال این توطئه و عاملان آن، حقیرتر از آندک که بتوانند جلوگیر این درخشش روزافزون باشند.

رزمایشی برای همه

هادی محمدی در یادداشتی در روزنامه خراسان با عنوان «رزمایشی نظامی برای امنیت دسته‌جمعی» این گونه نوشت:
رزمایش فدانیان حریم ولایت ۱۴۰۲ نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران روز گذشته با رسیدن به اهداف خود و کسب نمره مطلوب از ناظران و طراحان رزمایش در ستاد‌های عالی ارتش و ستادکل نیروهای مسلح به کار خود پایان داد تا تمرین بزرگ و مناسب دیگری باشد برای تیزپروازان نیروی هوایی ارتش در دفاع از مرزهای هوایی این کشور.
اما در این میان سه نکته به نظر حائز اهمیت است؛اول اینکه دو هفته قبل امریکا و رژیم‌صهیونیستی در رزمایشی مشترک در سرزمین‌های اشغالی، مدعی شدند حمله به ایران را تمرین کرده‌اند.
به گزارش وبگاه تایمز اسرائیل، ارتش اسرائیل روز دوشنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۲ در بیانیه‌ای اعلام کرد در این رزمایش که جونپیر اوک نامیده شده،نیروی هوایی اسرائیل حملات هوایی را علیه اهداف استراتژیک در عمق انجرام می دهد که اشاره آشکاری به تأسیسات هسته‌ای ایران دارد.
ارتش اسرائیل در بیانیه خود گفته بود: علاوه بر این، رزمایش هوایی به دست آوردن برتری هوایی در منطقه و دفاع سایبری در برابر تهدیدات مختلف را شویه‌سازی خواهد کرد.

احیای عاشورا

روزنامه فرهیختگان نوشت: عاشورا پیش از یک سالگرد نمادین است.احیای عاشورا به معنی اقامه عز یا برگزاری مراسم احیا در شب عاشورا نیست. عاشورای زنده، یعنی عاشورای اثرگذار در راستای اهداف امامت که هدایت بشر و بهروری زندگی دنیوی و اخروی انسان است. عاشورای زنده، یعنی عاشورایی که به «حیوی امر امامت» منجر شود که در روایات اهل‌بیت(ع) به آن پرداخته شده‌است. در دوران آزادی، بلکه تثبوت اقامه عز،امراد از زنده بودن عاشورا،حیات‌اجتماعی عاشورا و اثرگذار بودن آن در مناسبات اجتماعی و زندگی مردم است. زنده بودن عاشورا، یعنی اثر مثبت گذاشتن بر زندگی فردی و جمعی مردم. در این فضای زنده،معنای متعالی زنده بودن تبدیل قیام حسینی به الگوی قابل پیروی است. برخی علمای اسلامی کار حسین بن علی(ع) را یک راز و دستنور شخصی می‌دانستند که قابل پیروی نیست!اما امام‌خمینی(ره) آن راز دستنور شخصی به قانون قابل پیروی تبدیل کرد و بر اساس آن نظام شهنشاهی به ایران بر چیده شد و جنگ تحمیلی بدون از دست دادن ذرهای خاک مدیریت شد، سپس همین منطق هسته‌های مقاومت را در بسیاری از امت‌های اسلامی به ویژه شیعیان قهرمان لبنان بنیان نهادند و برای نخستین‌بار طعم تلخ شکست را به رژیم‌صهیونیستی چشاند.به تعبیر شهید مطهری آید شمر زمان را شناخت و عاشورای زنده،عاشورایی است که برای شمرها و بزنده‌های زمان خیست آفرین باشد،این یعنی احیای عاشورا،اما این نیز تمام ماجرا نیست. معنای مهم دیگر زنده بودن عاشورا، ساخت زندگی فردی و اجتماعی خوب و تربیت انسان‌های رشدیافته چیزی که کیمیای کیمیاک امروز است. عاشورا فقط الگویی قیام جوانمردانه علیه ظلم و ستم ناجوانمردانه نیست، چون هدف یک امام، فقط قیام و انقلاب نیست. هدف اصلی امامت،انسان‌پروری است. بر این اساس، عاشورای زنده،عاشورایی است که زندگی هر انسان (انسان زندگی بهتر) و شخصیت آنها را روزبه‌روز رشدیافته‌تر سازد.(انسان رشدیافته‌تر)عاشورای زنده، یعنی عاشورایی که مراسم عز یا مداحی و طبل و سنج خلاصه نشود و خطبا و موبتریان راه و رسم زندگی حسینی را در دستک و صلح به مردم بیاموزند.

امریکا و معمای گر‌های کور خودساخته

روزنامه وطن‌امروز نوشت:شبهه‌سازی جنگ اوکراین در مانور نظامی اخیر تاپوئی ای‌ها، مصداق تحرکات تازه واشگنگتن در شرق آسیا محسوب می‌شود. به صورت هم‌زمان، دومین زبردربایی هسته‌ای امریکا طی یک ماه اخیر وارد شبهه‌جزیره کره و در آب‌های کره‌جنوبی مستقر شده است. به راستی در شرق آسیا چه می‌گذرد؟ آیا «تابیه» و «شبهه‌جزیره کره» به نقاط آشکار ساز بی‌جدید ضدامنیتی غرب در محدوده جغرافیایی دیگری در جهان تبدیل شده‌اند؟ آیا مقامات چین در برابر این تحرکات، گارد بسته خود را در برابر مداخله‌گرایی غرب باز خواهند کرد؟ چرا مقامات امریکایی به صورت هم‌زمان، ابزارهای «دیپلماسی» و «فشار» را در تقابل و تعامل با پکن پیش می‌برند؟ آیا این نوعی بازی مبتکرانه است یا نوعی سومحاسبه دهشتناک که ممکن است آینده‌ای تاریک و مبهم را برای غرب رقم بزند؟

اخیرا هنری کیسینجر، وزیر سابق خارجه امریکا در سفری غیرمنتظره به پکن، با رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و مقامات ارشد حزب کمونیست چین دیدار کرد. آنچه این استراتژیست ۱۰۱ساله کهنه‌کار را به شرق آسیا کشانده است، قطعلا دلسوزی برای امنیت بین‌المللی یا حتی ترس از شکل‌گیری یک نبرد جدید نیست!سوابق کیسینجر و نقش وی در کشتار هزاران انسان در نقاط گوناگون دنیا بر همگان محرز است. آنچه کیسینجر و دیگر نظره‌پردازان امریکایی مانند فوکویاما را نگران کرده، ناتوانی دولت‌های دموکرات و جمهوری‌خواه در پیشبرد استراتژی «خلق گر‌های کور راهبردی» در جهان است.



روزنامه جوان | شماره ۶۸۱۲ | چهارشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۲ | ۸ محرم ۱۴۴۵

چقدر از امام حسین (ع) می‌دانیم؟

دکتر یعقوب توکلی



این پرسش مقدر در قضیه عاشورا و شناخت از امام حسین(ع) مطرح است که ما حقیقتاً چقدر درباره این موضوعات آگاهی و شناخت داریم؟ متأسفانه در این سال‌ها فضای معرفتی و شناختی نسبت به حضرت سیدالشهدا(ع) آلوده به داستان‌های مداحی و بعضی از اشعار دم‌دستی و کارهایی شده است که زمینه فکری عمیقی ندارند. من به شعر، مخصوصاً اگر غنا و دانش کافی داشته باشم، علاقه‌مند هستم، اما واقعیت این است که ما به عنوان شیعه و کسانی که خط میزیمان از دیگران، کرپلاست و راه شیعه از کرپلاز دیگران به طور کامل جدا و مشخص شد، از این حسابه عظیم چیز زیادی نمی‌دانیم. اینجاست که ما حاضریم همه چیزمان را فدا کنیم و حتی مادران، طفلان شیرخوار خود را نیز می‌آورند و سر دست می‌گیرند، اما حقیقتاً این موضوعی که حاضریم فرزندمان را در اهش بردهیم و خلی‌هایمان جان‌مان را داده‌ایم و می‌دهیم، چقدر می‌دانیم و در طول زندگی چقدر درباره امام حسین(ع) کتاب خوانده‌ایم؟

متأسفانه منابر و سخنرانی‌های امثال بنده هم به وظیفه‌مان معرفت‌افزایی در این زمینه است، هدف‌تر جریان کشکولی شده‌اند و انوارالناس به شدت فشار می‌آورند که داستانی یا چیزی بگویم که ما یا منبر یا میز خطابه‌ات جرت نزنیم. خود من سال‌ها تحت فشار بوده‌ام که در صحبت‌هایم چه ضرورت دارد که یک مطلب تاریخی را مطرح و تحلیل کنی؟ چیزی بگویم که ما برای فهم آن به زحمت نغینیم. بدتر از آن صداوسیما می‌است. بر سر اینکه چرا عاشورا اتفاق افتاد، اختلاف‌نظرهای بسیاری وجود دارد. عده‌ای گفته‌اند به خاطر امرای یزید بی‌وعدت امام حسین(ع) یا ایشان بود. برخی در دعوت کوفیان تأکید می‌کنند. بعضی‌ها هم امر به‌معروف و نهی از منکر را مطرح می‌سازند. جالب است که در داستان پردازی‌های اموی‌ها که ردپای مسیحی‌ها در آنها دیده می‌شود، ماجرای عشق سه‌ضلعی یزید و ارینسب و امام حسین(ع) را هم می‌بینیم. خیلی‌ها می‌گویند حالا یزید می‌خواست با جور و ستم هم که شده با زنی ازدواج کند، شما چرا وارد این ماجرا شدی؟ یا در کتاب «شهید جاوید» صالحی نجف‌آبادی می‌نویسد که بعداً سر از قبه مهدی هاشمی در آورد. این موضوع مطرح شده بود که آیا امام حسین(ع) به فدای پیش‌خوهد آمد یا نه؟ در این خصوص بعضی صحیحی نجف‌آبادی «شهید جاوید» را مبتنی بر عده‌گاهی امام حسین(ع) از فرجام کار نوشت و آن‌را نوشتند.

در ادبیات تسنن هم این بحث را داریم. نوشته‌های غزالی و ابوبکر غلالی همگی در نقد امام حسین(ع) را ببینید. به دانشگاه‌های ما بروید و گروه‌های تاریخ را ببینید. آیا به من و شما نمی‌گویند دعوا بین دو قبیله عرب بود؟ خودشان قضیه را رها کرده‌اند، شما چرا رها نمی‌کنید؟ ما در برابر این سیلی که به راه افتاده و به طور جدی آستانه معرفتی ما را هدف قرار داده است، چه سدی ساخته‌ایم؟ قیدو کتاب نوشته و چند کتاب خوانده‌ایم؟ معلم‌های تاریخ ما



در آموزش و پرورش چقدر درباره سیدالشهدا(ع) می‌دانند؟ خدا را شاهد می‌گیرم، زمانی که کتاب این موضوعات آگاهی و شناخت داریم؟ متأسفانه در این سال‌ها فضای معرفتی و شناختی نسبت به حضرت سیدالشهدا(ع) آلوده به داستان‌های مداحی و بعضی از اشعار دم‌دستی و کارهایی شده است که زمینه فکری عمیقی ندارند. من به شعر، مخصوصاً اگر غنا و دانش کافی داشته باشم، علاقه‌مند هستم، اما واقعیت این است که ما به عنوان شیعه و کسانی که خط میزیمان از دیگران، کرپلاست و راه شیعه از کرپلاز دیگران به طور کامل جدا و مشخص شد، از این حسابه عظیم چیز زیادی نمی‌دانیم. اینجاست که ما حاضریم همه چیزمان را فدا کنیم و حتی مادران، طفلان شیرخوار خود را نیز می‌آورند و سر دست می‌گیرند، اما حقیقتاً این موضوعی که حاضریم فرزندمان را در اهش بردهیم و خلی‌هایمان جان‌مان را داده‌ایم و می‌دهیم، چقدر می‌دانیم و در طول زندگی چقدر درباره امام حسین(ع) کتاب خوانده‌ایم؟

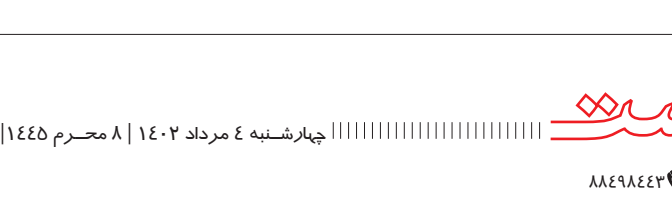
متأسفانه ما به عنوان یک شیعه آن قدری که باید از سیدالشهدا(ع) بدانیم، نمی‌دانیم. از امیرالمؤمنین(ع) هم نمی‌دانیم. از پیامبر(ص) هم نمی‌دانیم. سکنم عاشورا در میان مقالات علمی‌ای که در کشور ما نوشته می‌شوند، تقریباً صفر است. من در مطبوعات و رسانه‌ها کمتر به مطالب جدی در این زمینه برخورد کرده‌ام. هر چه هم که می‌بینم رونویسی از روی دست همدیگر است. این نشان می‌دهد کسی که باید در این زمینه مطالعه و فکر کنند، این کار را نمی‌کنند.

بر سر اینکه چرا عاشورا اتفاق افتاد، اختلاف‌نظرهای بسیاری وجود دارد. عده‌ای گفته‌اند به خاطر امرای یزید بی‌وعدت امام حسین(ع) یا ایشان بود. برخی در دعوت کوفیان تأکید می‌کنند. بعضی‌ها هم امر به‌معروف و نهی از منکر را مطرح می‌سازند. جالب است که در داستان پردازی‌های اموی‌ها که ردپای مسیحی‌ها در آنها دیده می‌شود، ماجرای عشق سه‌ضلعی یزید و ارینسب و امام حسین(ع) را هم می‌بینیم. خیلی‌ها می‌گویند حالا یزید می‌خواست با جور و ستم هم که شده با زنی ازدواج کند، شما چرا وارد این ماجرا شدی؟ یا در کتاب «شهید جاوید» صالحی نجف‌آبادی می‌نویسد که بعداً سر از قبه مهدی هاشمی در آورد. این موضوع مطرح شده بود که آیا امام حسین(ع) به فدای پیش‌خوهد آمد یا نه؟ در این خصوص بعضی صحیحی نجف‌آبادی «شهید جاوید» را مبتنی بر عده‌گاهی امام حسین(ع) از فرجام کار نوشت و آن‌را نوشتند.

در ادبیات تسنن هم این بحث را داریم. نوشته‌های غزالی و ابوبکر غلالی همگی در نقد امام حسین(ع) را ببینید. به دانشگاه‌های ما بروید و گروه‌های تاریخ را ببینید. آیا به من و شما نمی‌گویند دعوا بین دو قبیله عرب بود؟ خودشان قضیه را رها کرده‌اند، شما چرا رها نمی‌کنید؟ ما در برابر این سیلی که به راه افتاده و به طور جدی آستانه معرفتی ما را هدف قرار داده است، چه سدی ساخته‌ایم؟ قیدو کتاب نوشته و چند کتاب خوانده‌ایم؟ معلم‌های تاریخ ما

متأسفانه منابر و سخنرانی‌های امثال بنده هم به وظیفه‌مان معرفت‌افزایی در این زمینه است، هدف‌تر جریان کشکولی شده‌اند و انوارالناس به شدت فشار می‌آورند که داستانی یا چیزی بگویم که ما یا منبر یا میز خطابه‌ات جرت نزنیم. خود من سال‌ها تحت فشار بوده‌ام که در صحبت‌هایم چه ضرورت دارد که یک مطلب تاریخی را مطرح و تحلیل کنی؟ چیزی بگویم که ما برای فهم آن به زحمت نغینیم. بدتر از آن صداوسیما می‌است. بر سر اینکه چرا عاشورا اتفاق افتاد، اختلاف‌نظرهای بسیاری وجود دارد. عده‌ای گفته‌اند به خاطر امرای یزید بی‌وعدت امام حسین(ع) یا ایشان بود. برخی در دعوت کوفیان تأکید می‌کنند. بعضی‌ها هم امر به‌معروف و نهی از منکر را مطرح می‌سازند. جالب است که در داستان پردازی‌های اموی‌ها که ردپای مسیحی‌ها در آنها دیده می‌شود، ماجرای عشق سه‌ضلعی یزید و ارینسب و امام حسین(ع) را هم می‌بینیم. خیلی‌ها می‌گویند حالا یزید می‌خواست با جور و ستم هم که شده با زنی ازدواج کند، شما چرا وارد این ماجرا شدی؟ یا در کتاب «شهید جاوید» صالحی نجف‌آبادی می‌نویسد که بعداً سر از قبه مهدی هاشمی در آورد. این موضوع مطرح شده بود که آیا امام حسین(ع) به فدای پیش‌خوهد آمد یا نه؟ در این خصوص بعضی صحیحی نجف‌آبادی «شهید جاوید» را مبتنی بر عده‌گاهی امام حسین(ع) از فرجام کار نوشت و آن‌را نوشتند.

در ادبیات تسنن هم این بحث را داریم. نوشته‌های غزالی و ابوبکر غلالی همگی در نقد امام حسین(ع) را ببینید. به دانشگاه‌های ما بروید و گروه‌های تاریخ را ببینید. آیا به من و شما نمی‌گویند دعوا بین دو قبیله عرب بود؟ خودشان قضیه را رها کرده‌اند، شما چرا رها نمی‌کنید؟ ما در برابر این سیلی که به راه افتاده و به طور جدی آستانه معرفتی ما را هدف قرار داده است، چه سدی ساخته‌ایم؟ قیدو کتاب نوشته و چند کتاب خوانده‌ایم؟ معلم‌های تاریخ ما



چقدر از امام حسین (ع) می‌دانیم؟

می‌روند و ظاهرأ از سر دلسوزی می‌گویند که با امویان درگیر نشوید، اینها آدم‌های سفاکی هستند. امام می‌فرماید: این لعن شده (منظورشان مروان است که پیامبر(ص) خود و پدرش را لعن کرده) می‌خواهد مسرا در ذلت قرار بدهد. در مکه همین طور. امام می‌داند که به شهادت خواهند رسید. می‌بینند که اگر در مکه بمانند، صدای اعتراضی بلند نخواهد شد. وقتی مکاتبات و گفت‌وگوها و دلسوزی محمد حنفیه، ابن عباس، عبدالله بن جعفر و دوستان دیگر امام را می‌خوانیم، متوجه شرایط دشوار امام می‌شویم. حتی امام از شاعر معروف عرب، فرزدق می‌پرسند: «کوفه را چگونه دیدی؟» او می‌گوید: «قلب‌های‌شان با شما، ولی مشمشیرهای‌شان علیه شماست.» عبدالله بن جعفر می‌گوید: «هم‌دم کوفه در گذشته با شما رفتار درستی نداشت‌اند. جامعه کوفه جامعه نامناسبی است. به سمت یمن بروید و در کوه‌های یمن مخفی شوید.» امام می‌فرماید: «اینجا در هر صورت قلب مرا از سینهام بیرون خواهند کشید.»

امام حسین(ع) هر راهی را که انتخاب می‌کردند، مسیر امامت را مسیر حکومت امثال یزید و سلمان رشدی، به این آشکاری متمایز نمی‌شد، لذا امام با ۷۲تن به قول علامه سیدمحمدحسن املی در کتاب «اعیان الشیعه» و کتابی که درباره زندگی امام حسن(ع) و امام حسین(ع) منتشر کرد، از ۲۳ نفر نام می‌برد،البته در برابر ۱۷ هزار یا ۳۰هزار تن لشکر یزید، فرقی نمی‌کند. چنین جنگی طی ۱۰دقیقه خاتمه پیدا می‌کند، لکن در عاشورا امام جنگ تن‌به‌تن را انتخاب کردند و لشکر یان ایشان تنگ‌تنک آمدند و رجز خواندند و خودشان را معرفی و بر موقله امامت و جدایی راه امام از حکومت اموی تأکید کردند؟

عظمت حضرت عباس(ع) در این نیست که از ایشان رمبو درست کنیم، بلکه عظمت ایشان در این است که سه برادر را نزد امام فرستاد و پسران ام‌البتین را به پای امام قربانی کرد. اما ما از اباالفضل(ع) چه درست کرده‌ایم؟ یک سقّای سرزنده که نتوانست با ییاورد! صحنه را تصور کنید. جلوی چشم زن و بچه‌ها همه مردان تک‌تک می‌روند و به شهادت می‌رسند. برادران زینب(س) رفتند. پنج برادر از مسلم بن عقیل در کرپلا به شهادت رسیدند. امام می‌دانستند قرار است چه اتفاقی بیفتد، بازی، بازی پنهانی نبود. وقتی امام پرسیدند: «چرا همگی علیه من متحد شده‌اید؟» گفتند: «ای بغض پدرت علی. به خاطر پدر و احد با پدرت دشمنی داریم.»

جریان عثمانی آمد و علیه جریان علوی و تشیع و پیامبر(ص) متحد شد و در رأس حکومت کسی قرار گرفت که اصلاً اعتقادی به نبوت پیامبر(ص) نداشت. اما بعداً می‌بینیم که عثمانی‌ها تم تقلید و رهبر شیعیان جهان شود و بقیه علما را هم به زور مجبور می‌کردیم با سلمان رشدی به عنوان جانشین امام بیعت کنند. چرا سلمان رشدی را مثال زدیم؟ چون او و یزید به لحاظ فضای فکری و ادبی کاملاً به هم شبیه هستند.

جان دمشقی و بقیه نویسندگان مسیحی مدعی شدند پیامبر(ص) توسط راهبری یهودی به نام بحیرا اتفاقا شد و یک جوان گرفتار بیماری صرع بود و آگاهی بیشتری داشت. دریافت کرد و به مردم و قومش گفت و آنها هم پذیرفتند و او هم از آنها سو‌استفاده کرد.

در ماجرای کرپلا، سر امام حسین(ع) را که پیش یزید می‌آوردند، یزید می‌گوید: «ای کاش پدرم در جنگ بدر کشته نمی‌شدند تا امروز شاهد بودند که ما آن شیر شززه سیطره‌ناپذیر را گیر آورديم و سرش را حفر بر گرد و خود را تسلیم کند. لذا کردند- نمی‌گویند با دیانت- والا نه وحی‌ای نازل شد، نه خبری آمد.»

مضمون کل «آیات شیطانی» همین است. فرض را بر این بگیریم که امروز سلمان رشدی را آوردید و کردید مرجع همه شیعیان و تمام مراجع را هم مجبور کردید با او بیعت کنند. در چنین وضعیتی چه باید کرد؟ بیعت را بشکنیم؟ شورش کنیم؟ به دعوت دیگران جواب بدهیم؟ جنگ به راه بیندازیم؟ چه راهی را باید در پیش بگیریم؟ مروان ولیدبن عتبه در مدینه نزد امام حسین(ع) ندراید. لافل در نینوا آزه باشید.»

۶۲نفر زن و کودک باقی ماندند؛ زن و کودکی که پدر و عمو دایی و تمام مردان خاندان‌شان را تک‌تک پیش چشمان‌شان کشتند. آن زمان رسم بود که سسر مغلوبان را می‌بریدند و در خورجین می‌گذاشتند و به نشانه پیروزی برای حاکم فاتح می‌فرستادند. اوج دنائی اینجا جایی بود که سرها را بر سسر نیه‌ها کردند و در تمام طول راه هزارآوندی کیلومتری کرپلا تا شام این سرها را جلوی چشم زن‌ها و بچه‌ها قرار دادند تا آراذه آنها را بشکنند که نتوانستند و مقاومت اسرا با هدایت زینب کبری(س) فصل درخشانی در تاریخ اسلام و دنیا شد.



رئیس‌جمهور در دیدار وزیر خارجه ارمنستان:

ایران هیچ‌گونه تغییر در مرزهای منطقه را نمی‌پذیرد

رئیس‌جمهور با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه تغییر ژئوپلیتیک و جابه‌جایی مرزهای کشورهای منطقه را نمی‌پذیرد، گفت: ایران از حق حاکمیت و تمامیت ارضی تسام کشورهای منطقه حمایت می‌کند. به گزارش فارس، سیدابراهیم رئیسی در دیدار «آارات میرزویان» وزیر امور خارجه ارمنستان با تأکید بر ضرورت حل مسائل منطقه‌ای توسط کشورهای منطقه گفت: دخالت بیگانگان فقط مسائل را پیچیده‌تر می‌کند و جمهوری اسلامی ایران با حمایت از مذاکرات صلح بین ارمنستان و آذربایجان، امیدوار است این مذاکرات باعث استقرار و تقویت صلح، امنیت و آرامش هر چه بیشتر در منطقه شود.

رئیس‌جمهور همچنین با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه تغییر ژئوپلیتیک و جابه‌جایی مرزهای کشورهای منطقه را نمی‌پذیرد، افزود: ایران از حق حاکمیت و تمامیت ارضی تمام کشورهای منطقه حمایت می‌کند. رئیسی بر اهمیت ارتقای هر چه بیشتر سطح روابط دو کشور نیز تأکید کرد و افزود: جمهوری اسلامی ایران مانعی پیش‌روی گسترش روابط با ارمنستان نمی‌بیند. در این دیدار «آارات میرزویان» وزیر امور خارجه ارمنستان نیز ضمن قدر دانی از مواضع ایران در قبال تحولات منطقه قفقاز تصریح کرد: ارمنستان هیچ‌گاه سکوی اقدامات ضدايرانی نخواهد شد و همواره بر گسترش امنیت و آرامش منطقه‌ای تأکید دارد. وزیر امور خارجه ارمنستان روابط با جمهوری اسلامی ایران را برای کشورش بسیار پراهمیت دانست و بر افزایش مرادوات دیپلماتیک میان دو کشور و تقویت و تعمیق روابط قیما بین تأکید کرد.

مناقضیان شرکت در انتخابات مجلس باید ۶ ماه قبل از ثبت‌نام استعفا کرده باشند

داوطلبان نمایندگی دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی باید حداقل شش ماه قبل از ثبت‌نام از سمت خود (براساس ماده ۲۹قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی) استعفا کرده باشند. به گزارش فارس، ستاد انتخابات کشور روز شنبه ششم مرداد) با صدور چهارمین اطلاعیه خود در مورد انتخابات، با اشاره به لزوم استعفای مناقضیان شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: داوطلبان نمایندگی دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی باید حداقل شش ماه قبل از ثبت‌نام از سمت خود (براساس ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی) استعفا کرده باشند و به هیچ وجه در آن پست شغال نباشند. تاریخ بیانیه آمده است: بر اساس ماده ۲۹قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مقامات مصرح در قانون و مشاغل هم‌تراز آنها که قصد داوطلبی برای نمایندگی دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی دارند، باید حداقل شش ماه قبل از ثبت‌نام از سمت خود استعفا کنند و به هیچ وجه در آن پست شغال نباشند. همچنین بر اساس تبصره ۴ همین ماده، جایگزین فرد مستعفی باید از سوی مرجع ذی‌صلاح بالاتر، حداکثر به مدت یک ماه به طور رسمی معرفی شود و فرد مستعفی در آن حوزه مسئولیتی نداشته باشد. به این منظور و مطابق روزشمار انتخابات، بازه زمانی استعفا تا تاریخ ۲۵مردادماه سال جاری تعیین و بر قالب اطلاعیه شماره ۱ از سوی ستاد انتخابات کشور اطلاع‌رسانی شد. این بیانیه می‌افزاید: از هموطنان گرامی درخواست می‌شود در صورت مشاهده یا آگاهی نسبت به تخلف از مفاد این اطلاعیه موارد را به ستاد انتخابات کشور یا ستاد انتخابات استان‌ها گزارش کنند.

سفيدسازي چهره امریکا با کدام هدف!؟

رئیس سابق سازمان انرژی اتمی با مظلوم‌انگاری امریکا و مقصر ناستن ایران در تشدید تنش‌ها، پیشنهاد مذاکره مستقیم با ایالات‌متحده را به عنوان راه‌حلی نجات‌بخش معرفی کرد.

او در بخشی از سخنانش با تمجید از امریکا می‌گوید: «شوروی بعد از جنگ جهانی دوم در بخشی از ایران حضور داشت. جنگ تمام‌شده بود، اما شوروی‌ها در بخش قابل توجهی از ایران در تبریز، کرdestان و حتی اگر اشتباه نکنم تا زنجان و قزوین هم بودند. این تهدید ترومن علیه شوروی‌ها بود که باید خاک ایران را ترک کند... این موضوع را هم باید‌از حيث قضاوت تاریخی در نظر بگیریم. این خودشان هم یک‌نکته مثبت است. اگر خدای‌نکرده، ما بخش دیگری از سرزمین‌مان را از دست داده بودیم؛ در چه وضعیتی بودیم؟ لذا نباید فراموش کنیم که اگر تهدید ترومن، رئیس‌جمهور امریکا علیه شوروی نبود، چه بسا امروز شاهد جابودن بخش دیگری از سرزمین ما بودیم.» این افتخارسازی برای امریکا در حالی صورت می‌گیرد در مسکو (مارس ۱۹۴۶) در اوتلیتناموم و از راه آسیای بود، امریکا پژوهش تاریخی یک ادعای رزنده توسط مورخان مختلف است. ترومن درباره اولیتناموم و شوروی می‌گوید: «رای استالین پیامی فرستاد که اگر ایران را تخلیه نکنند، من سپاهیان امریکا را وارد صحنه خواهم کرد... این پیام را برای اولین هریمن اسپیر امیرکارک‌شوروی که مأموریتش پایان‌یافته بود)فرستادم تا شخصاً به استالین تسلیم کند.»

سنگ‌گران بلافصله با او روبرو شدند و او در این باره نظر خودستند. پاسخ هریمن این بود که «ه تنها چنین پیامی را به یاد نمی‌آورم، بلکه در آن هنگام (مارس ۱۹۴۶) در مسکو نبودم و از راه آسیای بود، امریکا مراجعت می‌کردم.» اولین کسی که در این مسئله تردید کرد و گفت سندی مبنی بر وجود اولیتناموم پیامی‌ناکرده ریچارد کانوم بود. کانم سال‌های زیادی عضو اردش سازمان CIA و وزارت خارجه امریکا بود.

این تردید به حدی رسید که مورخی استند که مورخی مانند پرواند آر اهرامیان در نیویورک معتقد است اولیتنامومی وجود نداشته است: «هنا هیچ سندی از وجود چنین اولیتنامومی وجود ندارد. اگر بود حتماً سندی نوشتاری در جایی ثبت می‌شد. اگر به شکل شفاهی این اولیتناموم داده شده‌هد در جایی ثبت نشده. من حتی فشار چندانی از سوی امریکا نمی‌بینم.» جان لیمربرت، دیپلمات سابق امریکا و یکی از گروگان‌های لانه جاسوسی هم ادعای هری ترومن را ضعیف خوانده و معتقد است، هیچ سندی برای تأیید ادعای ترومن به دست مورخان ترسیده است. تورج اتابکی تاریخ‌نویان و استاد دانشگاه لندن نیز اولیتناموم ترومن را افسانه‌ای بیش نمی‌داند.

حال باید پرسید صالحی با چه هدفی سعی در سفیدسازی چهره سیاه امریکا دارد؟ از مرداد ۳۲ تا پاره کردن برجام توسط ترامپ، آنچه همیشه رقم خورده ضره زنده امریکا، به منافع ملی ایران است و این فشارها پس از انقلاب شد بیشتر می‌پیدا کرد. پیشنهاد مذاکره با امریکا نسخه همیشگی غرب‌زدگست که در هر دوره‌ای تجویز می‌کنند، غافل از آنکه اگر قرار بود مذاکره با امریکا سودمند باشد، زمان مصدق با هنگام قدم‌زدن با ک‌ری سودی به کشور می‌رساند صالحی پیشنهاد شکست‌خورده‌ای را به عنوان راه‌حل مطرح می‌کند که در آخرین جلسه رهبر معظم انقلاب با دولت دوازدهم، مسئله اعتماد به غرب به عنوان یک درس عبرت از یک تجربه شکست‌خورده معرفی شد. رهبر معظم انقلاب فرمودند: «بندگان باید از این تجربه استفاده کنند. در این دولت معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد، به ما کمک نمی‌کند و هر جا بتوانند ضربه می‌زنند، این تجربه بسیار مهمی است. مطلقاً نیابستی برنامه‌های داخلی را به همراهی غرب موکول کرد و منوط کرد، چون قطعاً شکست می‌خورد. هر جا شما موضوعات را به توافق با غرب و به مذاکره با غرب با امریکا مانند اینها موکول کردید، آنجا ماندید و نتوانستید پیش بروید.» یادآور می‌شود آقای صالحی سال ۹۵ گفته بود: «بی‌اعتمادی ما به امریکا اساس واقعیت‌هاست» و سال ۹۹ هم پس از مشاهده خدعه‌ها و خیانت‌های امریکا در برجام ادعا ن کرد: «امریکایی‌ها، یک بده، نه، بلکه دبه‌های زیادی در آورد‌اند.»

منبع: رجانبوز